

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب ماه

علوم اجتماعی ۱۴

ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و
نقد و بررسی کتاب

صاحب امتیاز:
خانه کتاب ایران
مدیر مسئول:
احمد مسجد جامعی

کتاب ماه علوم اجتماعی ماهنامه‌ای است که باهدف اطلاع رسانی در زمینه کتاب و مسایل نشر و کمک به ارتباط خلاق بین پدیدآورندگان، ناشران، کتابداران و سایر فعالان عرصه نشر و فرهنگ کشور از سوی خانه کتاب ایران انتشار می‌یابد. هر ماه فهرست کامل انتشارات ماه پیشین که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است و درنظام اطلاع رسانی خانه کتاب ایران وارد شده‌اند بر اساس نظام رده‌بندی دهدهی دیویی ارائه می‌شود. شناسه کتابها تا حد امکان - حداقل کتابهای چاپ اول - با خلاصه‌ای از کتاب همراه است. در پایان این بخش نمایه‌ها نیز آورده شده است. مسئولیت نقد و ارزیابی کتاب و مسایل کتاب بر عهده نویسندگان است و به هیچ وجه به منزله نظر رسمی خانه کتاب نیست.

سر دبیر:

سعید معیدفر

دبیر بخش نقد و بررسی:

سیدعلیرضا دربندی

بخش فهرست و خلاصه کتاب:

مدیریت اطلاع رسانی و خدمات

رایانه‌ای

لیتوگرافی:

پر تو شمس

چاپ و صحافی:

مؤسسه چاپ آلهادی

نشانی: تهران خیابان انقلاب بین صبا و

فلسطین شماره ۱۱۷۸

صندوق پستی ۱۳۱۴۵۰۳۱۳

تلفن: ۶۴۱۵۴۶۹

فرهنگ و هویت ایرانی

نقد و نظری بر کتاب:

«شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران»

● عماد افروغ

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

یکی از کتابهایی که اخیراً وارد بازار نشر شده، کتاب «شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران» است. این کتاب به رغم برداشت نادرست نویسنده مبنی بر میانیت اسلام با هویت ملی (ص ۷۹ و...) و نیز به رغم مضمون ایرانی‌گرایی نسبی آن، حاکی از نگاه باریک‌بین نویسنده محترم به فرهنگ این زاد و بوم است. این کتاب حاوی یک دیباچه نظری و شش فصل است که به دلیل اهمیت موضوع تنها به مروری بر دیباچه نظری و فصلهای اول، دوم، پنجم و ششم کتاب بسنده می‌کنیم. و اما فصلهای این کتاب عبارت است از:

فصل اول: خودآگاهی ایرانی و پیدایش شاهنامه

فصل دوم: شالوده‌های فرهنگی شاهنامه

فصل سوم: فلسفه شاهنامه، یا داستان تحقق مینوهای

فرهنگی ایران

فصل چهارم: جستارهای بنیادی گاهانی در شاهنامه

فصل پنجم: ریشه‌های شکست

فصل ششم: بهره سخن، کدام فلسفه تاریخ

مهم‌ترین بخش این کتاب، دیباچه نظری است. در این

بخش سه بحث محوری و کلیدی (الف) آگاهی و خودآگاهی تاریخی، (ب) فلسفه تاریخ و (ج) آگاهی و خودآگاهی حماسی مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده در ذیل محور اول، به محتوای عمیقاً سیاسی - فرهنگی حماسه ملی اشاره می‌کند و اضافه می‌کند که حماسه ملی تنها هنگام کوشش یک قوم برای تشکیل ملت و یا هنگام آسیب دیدن و تجزیه شدید روح و مظاهر ملی پدیدار می‌شود و به شکل‌گیری و یا تشکیل مجدد ارگانیزم واحدی به نام جامعه ملی یاری می‌رساند. تمام تلاش نویسنده این است که حماسه ملی را والاترین جلوه خودآگاهی تاریخی و بنابراین، گونه‌ای

■ نویسنده: مرتضی ثاقب‌نفر

■ ناشر: قطره - معین



فلسفه تاریخ یک ملت معرفی کند. ثاقب فر با استفاده از اندیشه هگل در خصوص آگاهی، مادی شدن آگاهی و خودآگاهی تاریخی و مفهوم محوری روح یا ایده مطلق هگل می نویسد: در واقع، آنچه در جامعه انسانی و تاریخ آدمی وجود دارد - از نهادهای اجتماعی و فرهنگی گرفته تا نهادهای سیاسی، از خانواده گرفته تا دین و دولت - همان تحقق روح یا آگاهی مادی شده است. لیک، آشکارترین تجلی روح در گستره تاریخ، همانا روح قومی است. بدین گونه، هر قوم یا ملتی، روحی ویژه دارد که پرتوی از آن روح کلی است. در حقیقت، وجه امتیاز روح هر قوم از اقوام دیگر، تصورات آن قوم از خویشتن و نیز سطحی بودن یا عمیق بودن درک آن از روح است. وی با تاسی به هگل که هنر، دین و فلسفه تاریخ را در والاترین پایه خودآگاهی روح، هنر و دین و فلسفه تاریخ قرار می دهد، اضافه می کند که فراگرد پیوسته آگاهی و خودآگاهی هر قوم، همان فلسفه تاریخ آن قوم است، همان گونه که در پهنه گسترده تر جهانی، فراگرد آگاهی و خودآگاهی آدمی، همان فلسفه تاریخ آدمی است و اضافه می کند که اگر این گفته هگل درست باشد که «وجه امتیاز روح هر قوم از اقوام دیگر، تصورات آن قوم از خویشتن است»، قطعاً افسانه ها و حماسه ها درباره تصورات هر قوم از خویشتن خویش، چیزهای زیادی برای گفتن دارند.

نویسنده در ذیل محور دوم، فلسفه تاریخ را بررسی اندیشه گرانه تاریخ و کارکرد آن را کشف منطق یا خرد تاریخ می داند. به اعتقاد ایشان، به جز تحصیل گرایان مغرب زمین که برای حرکت تاریخ، خرد و منطقی نمی شناسند و آن را جز به تصادف و نامی بندند، سراسر فیلسوفان تاریخ در این اندیشه که خرد یا علت یا علتهایی ویژه بر جهان فرمانرواست، با یکدیگر همسانند. نتیجه سخن آنکه، هر آگاهی و اندیشه ای تعیین کننده و راستابخش شکل و درونه و چستی و کیستی موضوع خویش است. هر قوم یا ملتی چیزی نیست جز آنکه خود از خویشتن در انگاره خویش دارد و جز الگویی که می کوشد تا به آن دست یابد. و این الگورادر هر زمان، افسانه ها، دینها، فلسفه ها و به طور کلی جهان بینی های آن قوم تعیین می کند. هر فرهنگی یا جهان بینی ویژه خویش در واقع دانسته و ندانسته فلسفه تاریخی دارد که از دریچه آن نه تنها به جهان کنونی و آینده، بلکه حتی به تاریخ گذشته خود می نگرد. فلسفه تاریخ جز جویش طرحی منطقی و خردمندانه برای جهان چیزی نیست.

همان گونه که اسطوره یا افسانه، همان جهان بینی و طرح منطقی فرهنگهای کهن و آغازین برای تبیین رویدادهای گیتی و زندگی اجتماعی آنهاست و دین مرحله ای پیشرفته تر از این تبیین به شمار می رود، حماسه نیز همچون فلسفه تاریخ اقوام است که به جای تدوین شدن از سوی یک فیلسوف، از سوی تمام جامعه به شکل روایتها و افسانه ها، آینه تمام نمای همان طرح منطقی نمایش و تبیین تاریخ گذشته قوم و سکوی پرشی برای چیرگی بر واقعیت تلخ موجود و دست یافتن به مینوهای قوم در آینده است. افسانه و دین، اندیشه های مینوی و ایزدی و جهان شناسی یک قوم است و حماسه نگرشی نازنده و بالنده و گزافه آمیز به گذشته قوم و مینوهای آن و رنجهای قوم برای تحقق آن مینوهاست. حماسه

شاید بتوان گفت که در شاهنامه فردوسی، هیچ پیشامد بزرگ و حتی کوچک سیاسی نیست که همراه با خویش، آگاهی و خودآگاهی ایرانی را بیدار نسازد. خصلت بارز این خودآگاهی که در تمام دوره های تاریخی نمود بارز دارد، باور به پیکار با نیروهای بد و زیان بخش است.

حماسه می خواهد منطق و علت تاریخ پیشین قوم را بیابد و چونان طرح و برنامه ای برای تاریخ آینده قوم، آن را پیش نهد.

می خواهد منطق و علت تاریخ پیشین قوم را بیابد، بیان کند و چونان طرح و برنامه ای برای تاریخ آینده قوم، آن را پیش نهد. اسطوره و دین دستمایه های حماسه را فراهم می سازند و حماسه ملی، تحقق آنها و بویژه یادآور چگونگی تحقق آنهاست.

نویسنده در ذیل محور سوم، یعنی آگاهی و خودآگاهی حماسی معتقد است که حماسه جنبه ای جمعی دارد و قهرمان حماسه همواره به فواخور آرمان دوره خویش نمودار و معرف شور و سودای جمعی انسانی است. وی ویژگیهای برجسته حماسه را به شرح زیر معرفی می کند:

۱. اثری هنری است؛
۲. از آرمانهای جمعی سخن می گوید؛
۳. بازتابنده هدفها و آرمانهای قوم است؛
۴. گونه ای تاریخ است؛
۵. تاریخی آرمانی است؛
۶. سرشار از گزافه و شگفتی است؛
۷. گونه ای آگاهی جامعه به غایات و منافع و اصول خویش است؛
۸. حماسه دارای یگانگی و کلیتی همسان فلسفه تاریخ است؛
۹. حماسه با شور و شیدایی و احساس به گذشته، حال و آینده قوم می نگرد؛
۱۰. از واقعیت و عینیت دور نیست؛
۱۱. ابزار بازیابی یگانگی درونی قومی است؛
۱۲. تجلی روح خودآگاه قومی است؛
۱۳. مهم ترین ابزار رستاخیز روحی و افزایش پایداری فرهنگی است؛

نویسنده محترم در فصل اول با اشاره به توانایی شاهنامه در پرکردن خلأ بین حماسه و فلسفه تاریخ، اظهار می‌دارد علاوه بر آنکه پدید آمدن شاهنامه و انگیزه‌های پیدایی آن، مهمترین نشانه خودآگاهی ایرانی است، ما در درون شاهنامه، یعنی در داستانها و رویدادهای تاریخی آن نیز جلوه آشکاری از خودآگاهی ایرانی را باز می‌یابیم. شاید بتوان گفت که در شاهنامه فردوسی، هیچ پیشامد بزرگ و حتی کوچک سیاسی نیست که همراه با خویش، آگاهی و خودآگاهی ایرانی را بیدار نسازد. خصلت بارز این خودآگاهی نیز که در تمام دوره‌های تاریخی نمود بارز دارد، باور به پیکار با نیروهای بد و زیان‌بخش است. حافظه اجتماعی ایرانی پیوسته بدیهای دشمن و رسالت خویش را به یاد می‌آورد، نیرو می‌گیرد و به نبرد با بدی می‌شتابد تا داد و قانون ایزدی دوباره بر جهان فرمانروا گردد و در این راه نیز پشت بر یاری و راهنمایی خداوند دارد.

ثاقب‌فر علاوه بر اشاره به شاهنامه که چهار سده پس از نابودی ساسانیان تنظیم و تدوین گردیده است به یکی دیگر از حماسه‌های پیش از دوران ساسانیان که انگیزه پیدایی یکسانی با شاهنامه داشته است، اشاره می‌کند و آن یادگار زریران است. یادگار زریران به اعتقاد همه پژوهندگان به دوره اشکانی تعلق دارد و این دوره‌ای است که ایران به علت یورش اسکندر، یگانگی سیاسی خود را تا مدتی از دست می‌دهد و از این رو حماسه‌سرایی بایستگی تازه‌ای می‌یابد و اوج می‌گیرد. خاستگاه بنیادی بخش پهلوانی شاهنامه، بویژه بخش کیانیان، حماسه‌های همین دوره است که در زمان ساسانیان تدوین و تنظیم شده است و سپس در اختیار حماسه‌سرایی بزرگ ایران یعنی فردوسی قرار گرفته است.

مؤلف همچنین به دیگر عنصر اساسی هویت ایرانی، یعنی باور به تلیق دین و سیاست یا به تعبیر ایشان یگانگی دینی و یگانگی فرمانروایی یا یگانگی روحانی و جسمانی اشاره کرده و می‌نویسد: ایران، یکی دو سده پس از یورش اسکندر مقدونی کمابیش به رهایی سیاسی دست می‌یابد. اما تنها هنگامی دوباره تبدیل به یک نیروی یگانه و جامعه یگانه با کیستی (= هویت) یگانه می‌گردد که دارای جسم و روحی یگانه می‌شود، یعنی یگانگی سیاسی را همراه با یگانگی ایدئولوژیک خود باز می‌یابد و دارای فرمانروایی و دینی یگانه می‌گردد. به سخن دیگر، فرمانروایی جز تحقق روان جامعه، یعنی مینوها و آرمان آن جامعه چیز دیگری نیست و مینوها و آرمان جامعه نیز تنها می‌تواند در یک جهان‌بینی یگانه، یعنی یک دین یگانه، گرد آید و جلوه نماید. فردوسی یگانگی فوق را به گونه زیر به رشته نظم در می‌آورد:

نه بی تخت شاهست دینی به پای

نه بی دین بود شهر یاری به جای

دو دیباست یک در دگر بافته

برآورده پیش خرد تافته

نه از پادشا بی‌نیاز است دین

نه بی‌دین بود شاه را افرین

چنین پاسبانان یکدیگرند

تو گویی که در زیر یک چادرند

نه آن زین، نه این زان بود بی‌نیاز

دو نایز دیدمشان نیکساز

◀ این کتاب، حاکی از نگاه و نگرش ژرف‌اندیش و باریک‌بین نویسنده محترم در فرهنگ این زاد و بوم است. نگرشی که این روزها کمتر شاهد آن هستیم.

◀ حماسه ملی تنها هنگام کوشش یک قوم برای تشکیل ملت و یا هنگام آسیب‌دیدن و تجزیه شدید روح و مظاهر ملی پدیدار می‌شود و به شکل‌گیری یا تشکیل مجدد ارگانیزم واحدی به نام جامعه ملی یاری می‌رساند.

◀ هر قوم یا ملتی چیزی نیست جز آنکه خود از خویشتن در انگاره خویش دارد و جز الگویی که می‌کوشد تا به آن دست یابد و این الگو را در هر زمان، افسانه‌ها، دین‌ها، فلسفه‌ها و به طور کلی جهان‌بینی‌های آن قوم تعیین می‌کند.

نویسنده محترم دوران پیدایش حماسه فردوسی را دوران پیدایش آزاداندیشی و گسترش ژرف فلسفه، دانش و هنر می‌داند که شاید تنها دوره نوزایی اروپا و نیز سده‌های هفده تا نوزده آن دیار را از لحاظ رشد اندیشه و دانش بتوان با آن سنجید. آن‌چنان که می‌توان این دوران را برآستی دوره زرین اندیشه و هنر در تاریخ ایران دانست.

در فصل دوم به اهمیت حماسه آگاهانه ملی برای ساخت یا بازسازی جهان‌بینی ملی اشاره کرده و اضافه می‌کند که کاری را که امروز «فلسفه تاریخ» برای شکل‌گیری ایدئولوژیها انجام می‌دهد، همان است که در گذشته، اسطوره برای دین و سپس حماسه ملی، بویژه باشکل آگاهانه آن، برای تشکیل یا «بازسازی» جهان‌بینی ملی انجام می‌داده است.

در فصل پنجم به ریشه‌های شکست ساسانیان در برابر اعراب مسلمان می‌پردازد و در کل به دو علت عمده اشاره می‌کند؛ یکی ناباوریهایی دینی جامعه و بی‌ایمانی نسبت به دستگاه فرمانروایی و آیینهای آن که تحقق زمینی آیینهای دینی بوده‌اند و دیگری ایمان به باورهای خرافی هزاره‌ای، یعنی باوری که شکست جامعه ساسانی و دین زرتشت را در پایان هزاره نخست زایش زرتشت پیش‌بینی می‌کرد و ناگزیر می‌انگاشت. در خصوص ناباوریهایی دینی دو انگیزه درونی و بیرونی یعنی کژرویهایی دینی و رخنه اندیشه‌های دینی بیگانه مؤثر بوده است. به اعتقاد نویسنده، دینی که هدف آن نبرد با بدان و از میان بردن بدی بوده است و از بنیاد، فلسفه آفرینش آدمی را پیکار با بدی و یاری به خداوند در این پیکار می‌داند، چگونه می‌تواند باور داشته باشد که با هر کس می‌بایست دوست بود و با هیچ کس دشمنی نورزید؟ چگونه می‌توان چنین اندیشه‌ای را که آمیزه‌ای است از باورداشتهای زروانی و عیسوی و بودایی، با اندیشه بنیادی دین زرتشت سازگار نمود؟

در فصل پایانی تحت عنوان «پهره سخن، کدام فلسفه تاریخ؟» به شرح فلسفه تاریخ پیشنهادی شاهنامه می‌پردازد. به نظر نویسنده محترم دو فلسفه تاریخ را می‌توان از شاهنامه بیرون کشید: فلسفه تاریخ اوستایی و فلسفه تاریخ ایرجی.

در ذیل فلسفه تاریخ اوستایی اظهار می‌دارد که هدف آفرینش انسان همانا یاری رساندن به اهورامزدا در پیکار با اهریمن است تا تخم نیستی و بدی از گیتی برافند و هستی و نیکی به جاودانگی رسد. پس وظیفه انسان در گیتی مبارزه با پلیدی و تمام مظاهر آن از طریق نیکی است و معنای نیکی نیز در نهایت چیزی جز کار شادمانه و همراه با راستی (یعنی وظیفه‌شناسی) و یاری به آبادانی جهان نیست. تنها از طریق نیک‌زیستن در این جهان و تکامل بخشیدن به آن است که سرانجام تضاد میان گیتی و مینو، جهان مادی و معنوی از میان برمی‌خیزد و گیتی و مینو یگانه می‌شود و به سخن دیگر، بهشت پدیدار می‌گردد.

در ذیل فلسفه تاریخ ایرجی به اسطوره تقسیم جهان بین سه برادر سلم، تور و ایرج اشاره می‌کند. سلم دارای فرهنگی منطقی و مادی به معنای یونانی و غربی، نیرنگ‌باز و حسابگر و جاه‌خواه و آزمند است. تور یا تورچ دارای فرهنگی عشیره‌ای، تاراجگر، ساده‌دلانه، تندخویانه، جنگجو و دلاورانه است و ایرج نماد منش صوفیانه و

جهان‌گريزانه نسبت به تاريخ و جهان و پلنديهاي آن است. به اعتقاد وي اين ايرج و سرشت او و واكنش او در برابر رويداها و بذكرداريهاي برادران نژادي خويش است كه سرنوشت پسين جامعه ايراني را رقم مي‌زند. الگوي زندگي ايرج و عقايد او سرچشمه اصلي تمام باورهاي جهان‌گريزانه و صوفي‌منشانه مي‌گردد كه جاي به جاي از اندرزيهاي درون شاهنامه سر برمي‌كشد و نگرشي تازه نسبت به جهان در برابر فلسفه اوستايي مطرح مي‌سازد. وجود دو گونه فلسفه يا نگرش به تاريخ در شاهنامه فردوسي، در واقع تجلي آشكار وجود دوگانگي و شقاق و شكافي در اندیشه ايراني است. شكافي كه چه بسا فردوسي كوشيده است در كنار اكثر انديشمندان ايراني طی بیش از ۱۴۰۰ سال، آن را از ميان بردارد تا شايد وحدتي نوين و استوار پديد آورد.

نويسنده محترم در آخر كتاب عبارتي مي‌آورد كه قابل تأمل است. ايشان مي‌نويسد: «پرسش نوين اين است كه آيا اكنون و طی دهه‌هاي اخير، يكبار ديگر ايران پس از هزار سال در معرض گزينش دوباره‌اي ميان فلسفه اوستايي و فلسفه ايرجي قرار نگرفته است؟» با توجه به مطلبي كه ايشان در ابتدای كتاب به آن اشاره مي‌كند كه اين كتاب در سال ۶۳ آماده چاپ بوده است، اما چاپ آن تا سال ۷۷ به تأخير افتاده است، معلوم نيست كه در چه حال و هوايي نويسنده اين سؤال را مطرح کرده است. اگر منظور ايشان دهه اول انقلاب است كه اوج بازگشت به فلسفه تاريخ اوستايي يعني ياري رساندن به خداوند متعال در نبرد با بدان براي استقرار داد و قانون ايزدي در جهان است و اگر منظور دهه انقلاب است كه به آساني نمي‌توان اهميت سؤال ايشان را انكار نمود. در اين دهه ما با جريانات و نوساناتي روبرو هستيم كه بيانگر فاصله‌گيري نسبي از هويت تاريخي و فلسفه تاريخ اوستايي است كه اميد است با شروع دهه سوم و بارقه‌هاي اميدي كه با طرح هويت ملي؛ هويت ديني و هويت تاريخي در کشور زده شده است، يكبار ديگر شاهد تجلي خودآگاهي قومي ايراني در قالب بازگشت به خويشتن تاريخي و فلسفه تاريخ اوستايي كه بحق قربايت زيادي با فلسفه تاريخ اسلامي دارد باشيم.

در پايان بايد به اين نکته اشاره كرد كه دو موضوع «محوري اين كتاب قابل تأمل و بحث بيشتري است، يكي وجود مفهوم ايراني» و خودآگاهي ايراني و روح قومي آن است كه انشاءالله در معرفي و نقد كتاب «كثرت قومي و هويت ملي ايرانيان»، نوشته دكتور ضياء صدر به تفصيل به آن خواهيم پرداخت و ديگر ريشه‌هاي شكست ساسانيان در برابر مسلمانان است. نويسنده محترم به دو عامل كلي ناباوريهاي ديني ناشي از كژرويهاي ديني و رخنه اندیشه‌هاي ديني بيگانه و ايمان به باورهاي خرافتي هزاره‌اي اشاره مي‌كند كه تقريباً به گونه‌اي ديگر توسط ساير مورخان و ايران‌شناسان نامي از جمله ريجارد فرای به آن اشاره شده است. وي نيز دو عامل اساسي شكست ساسانيان را انحطاط دين زرتشت و توجه صرف به اعمال و رسوم و نه اعتقاد و اندیشه و انتشار عقايد بدبينانه زروانيه در اين دوران مي‌داند. اما نبايد علل شكست را تنها منحصر به عوامل ديني و اعتقادي دانست و از عوامل اجتماعي ديگر غافل شد. (از جمله: الف) فرسودگي و آشفته‌گي حكومت در پايان سلطنت ساسانيان و ضعف حكومت مركزي و



نيروگرفتن سرداران و پيشوايان دين ب) اوضاع اقتصادي نابسامان با وجود جنگهاي پي در پي و افزايش باجها و خراجها ج) استقرار نظام كاستي در جامعه (روحانيان، جنگاوران، دبيران و توده‌هاي مردم) و پشتيباني آيين زرتشت از آن و در نتيجه نابودي همكاري متقابل بين اقشار مختلف و کاهش حس مسئوليت در برابر پادشاه و د) همداستاني بيش از حد ملك و دين با قرائتي خاص و آيين‌گرایی صرف در تميز مؤمن از كافر. به علاوه، عوامل ديني و اعتقادي و اجتماعي فوق تنها ناظر به يك طرف قضيه يعني آيين زرتشت، باورهاي ديني مردم و اوضاع و احوال جامعه در پايان عهد ساسانيان است، اما طرف ديگر قضيه، اسلام و آموزه‌هاي آن است كه نقشي اساسي در تحول ديني ايرانيان ايفا کرده است. به جرأت مي‌توان مدعي شد كه علت پذيرش آسان اسلام در برابر امواج ديني غيرزرتشتي ماقبل آن، قربايتها و شابهت‌هاي بسياري است كه به طور خاصي بين آيين زرتشت و دين اسلام وجود دارد كه از جمله آنها مي‌توان به يكتاپرستي، پيوند دين و سياست، فلسفه تاريخ مبتني بر نبرد حق با باطل و پيروزي نهايي حق بر باطل كه در آيين زرتشت در قالب نبرد بين نيروهاي اهورايي و نيروهاي اهرمني يا دوگانگي اخلاقي مطرح است، اعتقاد به منجي بشریت، اعتقاد به پل صراط (پل چينوت)، برپايي نماز در پنج نوبت و... اشاره كرد. قربايت زياد بين آيين زرتشت و دين اسلام از يكسو و تعالي اسلام از سوي ديگر فرضيه استحالته آيين زرتشت در دين اسلام را تقويت مي‌كند.

به زودي، نقد ديگري بر اين كتاب خواهيم داشت.

«سردبيري»

◀ مطابق فلسفه تاريخ اوستايي، تنها از طريق نيک‌زيستن در اين جهان و تکامل بخشيدن به آن است كه سرانجام تضاد ميان گيتي و مينو، جهان مادي و معنوي از ميان برمي‌خيزد و گيتي و مينو يگانه مي‌شود و به سخن ديگر، بهشت پديدار مي‌گردد.

◀ به جرأت مي‌توان گفت كه علت پذيرش آسان اسلام از طرف ايرانيان، شابهت‌هاي بسياري است كه بين آيين زرتشت و دين اسلام وجود دارد كه از جمله مي‌توان به يكتاپرستي، پيوند دين و سياست، فلسفه تاريخ مبتني بر نبرد حق با باطل، اعتقاد به منجي بشریت، اعتقاد به پل صراط (پل چينوت) و... اشاره كرد.